



### راز کتاب

ناصر کشاورز\*

ای همیشه در سکوت  
پر صداتر از درخت  
با تو باز می‌شود  
قفل هر سؤال سخت  
ای درخت مهربان  
ای معلم عزیز  
جمله جمله برگ برگ  
در نگاه من بریز  
ای که برگ‌های تو  
باز در نگاه ماست  
چون هزار آینه  
ساده و جهان‌نماست  
ای درخت من بگو  
با صدای کاغذی  
چیست راز سبز این  
برگ‌های کاغذی؟

\*از کتاب: محبوب من کتاب

### پشت لبخند

محسن اعلا

نشان شادمانی  
همیشه نیست لبخند  
کجا شادم کجا شاد؟  
دل من هست در بند  
غم من پشت لبخند  
خودش را کرد پنهان  
دل من مثل گنجشک  
هرآسان شد هرآسان  
کسی با خنده‌هایم  
نمی‌فهمد غمم را  
نمی‌بیند کسی‌آه!  
غم بیش و کم را  
بجو شد از دلم کاش!  
همین امروز، شادی  
چرا پیش غم و درد  
تو ای دل، ایستادی؟!

### تازگی

حمیده سیوانی امیرخیز

با آن که مادر جان من هفتاد و شش ساله‌ست  
دنیا به چشمش تازگی دارد  
یادش نمی‌آید که نامم چیست  
از مادرم هرروز می‌پرسد  
این تازه وارد کیست؟  
این تازه دیدن‌ها چرا  
اسمش فراموشی‌ست؟!

### بال بسته

افسانه شعبان‌نژاد\*

دوباره شوق رفتن و گذر  
بزرگراه و باز هم  
شروع یک سفر  
ولی  
نشسته بین بند و صندلی  
نگاه می‌کنم به آسمان  
به آن مسیر صاف و بی‌خطر  
به دسته پرنده‌ها  
به آن مسافران فارغ و رها  
که بال می‌زنند و می‌روند و ما  
نشسته پیش می‌رویم  
اسیر و بال بسته پیش می‌رویم

\* از کتاب «پرنده‌های شعر من»

